

یک دهه دوری سینمای ایران از سرزمین فلسطین



مریم فضالی خبرنگار

از سال ۱۹۴۸ میلادی با اشغال سرزمین فلسطین، مفهوم مقاومت در مقابل رژیم آپارتایدی که در این منطقه ظلم می‌کند، تبدیل به یکی از دغدغه‌های مهم مردم آزادیخواه جهان شده است. دنیای تصویر و سینما، طی ۷۵ سال اشغال فلسطین یکی از ابزارهای مهم برای بازنمایی واقعیت و همچنین دفاع از مظلومیت فلسطین بوده است، با به وقوع پیوستن انقلاب اسلامی، مساله آزادی فلسطین به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در سینمای ایران موضوعیت پیدا کرد. تا به امروز شاید سینمای ایران دست روی دست نگذاشته باشد اما فاصله زیادی تا ایدآل‌ها دارد. در ۴۵ سال گذشته، تنها ۱۴ فیلم بلند سینمایی ایرانی با موضوع مقاومت فلسطین ساخته شده است. یعنی به طور متوسط هر ۳.۵ سال، یک فیلم.

بازمانده

قطعا معروف‌ترین ساخته این موضوع، فیلم سینمایی «بازمانده» به کارگردانی سیف‌الله داد است. فیلمی حرفه‌ای و خوش ساخت که داستان مظلومیت فلسطین را در همان سال‌های ابتدایی تشکیل فلسطین روایت می‌کند. بازمانده، داستان طفلی است که والدینش شهید شده‌اند و اکنون مادر بزرگ در قالب یک خدمتکار منزل صهیونیست‌ها در کنار اوست بی‌آنکه بتواند هویت خود را بروز دهد. سیف‌الله داد فیلمنامه بازمانده را براساس داستانی به نام «بارگشت» به حیف‌ا نوشت که موضوع آن به سال ۱۹۴۸ و تشکیل کشور اسرائیل و حکومت آن بر شهر حیفا بازمی‌گردد. منوچهر محمدی، تهیه‌کننده بازمانده درباره آن گفته است: «بازمانده برداشتی آزاد از یکی از قصه‌های کوتاه غسان کفانی با عنوان بارگشت به حیفا است.» البته برخلاف این داستان که قصه‌ای تلخ و پر از شکست را روایت می‌کند، در این فیلم ما پیروزی و مقاومت را می‌بینیم. در این فیلم از مضامین اسطوره‌ای- مذهبی هم استفاده شده است، مانند داستان حضرت موسی (ع). شاهکار این فیلم، صحنه آخر آن است که مادر بزرگ، پس از استقرار چمدان حامل بمب در قطار مهمات صهیونیست‌ها، نوزاد به بغل آیه‌الکرسی را می‌خواند و همراه با کودک از قطار بیرون می‌پرد. این سکانس پر معنا، به نهضت فلسطین به خوبی اشاره می‌کند و همچنین نشان دهنده تداوم مبارزه در نسل‌های بعدی هم است.

شکارچی شنبه

پس از فیلم بازمانده، دومین فیلم جدی با این موضوع را می‌توان «شکارچی شنبه» دانست. نویسندگی، کارگردانی و تدوین این فیلم توسط پرویز شیخ‌طادی صورت گرفته است. شکارچی شنبه داستان تحول پسر بچه ۱۰ ساله‌ای است که به دلایلی به پذیرش یک یکی از سران اصلی جریان فکری صهیونیسم است، سپرده شده است. تغییر از پسری ترسو و تبدیل شدن به نوجوانی که در تفکر صهیونیستی جا افتاده و دیگر به راحتی آدم می‌کشد و برایش مسائل انسانی محلی از اعراب ندارد. شیخ‌طادی در مصاحبه‌ای گفت: «برای تحقیقات فیلم به منابع داخلی رجوع نکردم تا انصاف کامل را

در نگارش فیلمنامه رعایت کرده باشم.» شکارچی شنبه توانسته بازنمایی نسبتاً نزدیکی از زندگی یهودیان را روایت کند که تاکنون آن را ندیده‌ایم؛ نمایش آداب و رسوم یهودی‌ها، قتل و جنایت‌های صهیونیست‌ها، غصب سرزمین مسلمانان، اختلاف عقیده یهودیان ارتدوکس در فلسطین اشغالی با یهودیان صهیونیست، تعلیم به اطفال یهودی برای کشتن غیریهودیان، استفاده نادرست از فرامین تورات، نوع عبادت یهودی‌ها و... که در دست فیلم نشان داده شده است. البته به این فیلم تقد‌های محتوایی شده است.

سرب

فیلم سینمایی «سرب» ساخته مسعود کیمیایی در سال ۱۳۶۷ اکران شد و در هفتمین دوره از جشنواره فیلم فجر توانست حضور نسبتاً خوبی داشته باشد. این فیلم بیشتر از آنکه به مقاومت فلسطین اشاره کند، به مناسبات دورنی صهیونیسم نظر داشته و بیشتر روی این موضوع تمرکز کرده است. کیمیایی در سرب اشاره مستقیمی به همزیستی مسالمت‌آمیز مسلمانان و یهودیان در ایران دارد و برآن صحنه می‌گذارد و در مقابل به انتقاد از سیاست‌های خشن صهیونیست‌ها نسبت به یهودیان می‌پردازد. در سرب کیمیایی از جدا کردن یهودیت از صهیونیست رونمایی می‌کند. داستان سرب در اوایل دهه ۳۰ شمسی در تهران روایت می‌شود و به ماجرای زوجی یهودی به نام دانیال و مونس می‌پردازد که قصد عزیمت به سرزمین موعود را دارند. سرب در دورانی ساخته شد که شدیدترین بمباران‌ها در تهران اتفاق افتاد و به همین دلیل بارها اطراف محل ضبط مورد اصابت قرار گرفت. از دیگر چالش‌های این فیلم که به دلیل انتخاب بازه زمانی دهه ۳۰ شمسی است، نیاز گروه به ماشین‌های قدیمی بود که فقط سه دستگاه از این ماشین‌ها در اختیار گروه قرار می‌گیرد. عوامل ساخت فیلم با رنگ کردن آنها و استفاده در سکانس‌های مختلف توانسته‌اند این کمبود اتومبیل را جبران کنند.

چشمان آبی زهرا

سریال «چشمان آبی زهرا» به کارگردانی علی درخشانی نماد انحصارطلبی رژیم اسرائیل است. چشمان آبی زهرا روایتی نمادینی از به وجود آمدن کشور جعلی اسرائیل است. به این معنی که تصور (فرزند یکی از مقامات اسرائیلی)، به عنوان یک کودک ناقص الخلقه، استعاره‌ای از رژیم صهیونیستی است که با دزدیدن اجزای سایرین در پی زنده نگه داشتن خود است. جهانبخش سلطانی، بازیگر این مجموعه در مرور خاطراتش از ساخت این سریال یادآور شده بود برای بازی در این سریال به سوریه و لبنان رفته و با سید حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله لبنان دیدار کرده بودند. سید علیرضا سجادیپور، تهیه‌کننده این سریال در تاریخ ۹ اسفند ۱۳۸۳ در نشست گفت: «هرچند که در کشور ترکیه امتیاز توزیع این فیلم فروخته شده اما به طرز حیرت‌آوری این فیلم به وسیله خود مردم تکثیر شده و صدها هزار نسخه از این اثر بین مردم توزیع شده است. حتی در برخی از شهرهای ترکیه، تکثیر این فیلم به فتوای مجتهدان و روحانیون صورت می‌گیرد و این عمل به عنوان فعالیتی ثواب پرشمرده می‌شود. این درحالی است که شهروندان ترکیه‌ای بابت تکثیر و توزیع این فیلم هزینه زیادی می‌پردازند تا جایی که یکی از اهالی این کشور به من اعلام کرد که دو تن از نزدیکانش به دلیل تکثیر این فیلم به ۱۵ سال زندان محکوم شده‌اند.»

از شما بعید بود آقای جیرانی



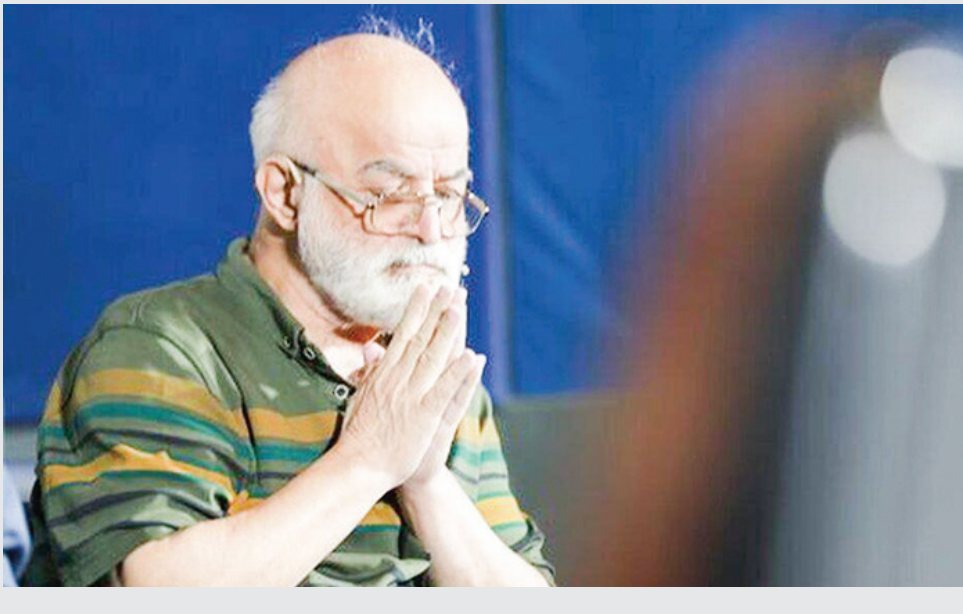
میلاد جلیل زاده خبرنگار گروه فرهنگ

فریدون جیرانی در سالگرد درگذشت کیومرث پورا احمد در ویدئویی خطاب به او از آنچه در این یک سال بر سینمای ایران گذشته سخن گفته است. این ویدئو را جیرانی به عنوان دبیر کنون کارگردانان سینمای ایران ضبط کرده و در پیامش که از جانب این نهاد منتشر شده می‌گوید: «کیومرث جان... حتماً می‌پرسیدی چه خبر؟ ما نبودیم خوش گذشت؟ نه کیومرث جان، اصلاً خوش نگذشت. سینماها دارند می‌فروشند با فیلم‌های خنده‌دار. اما خنده به چی؟ شاید به خودمان که ببینیم افتخار سینمای ما به کجا رسیده است. کیومرث جان، خبری از فیلم‌های فرهنگی واجتماعی نیست...»

غالباً هنگام هر نوع تحلیلی راجع به وضعیت ساختاری سینمای ایران، همه تلاش می‌کنند انگیزه‌های سیاسی و جناحی‌شان در خصوص موضعی که گرفته‌اند مخفی بماند و وانمود می‌کنند صرفاً بر اساس منطق متعارف است که به یک سری قضایات‌ها رسیده‌اند اما باور کردن چنین ادعاهایی نوع خود فریبی است. چطور ممکن است وقتی فلان دولت سرکار است، همه استدلال‌هایی که یک عده به خصوص به کار می‌برند، به نفع سینمای تجاری غالباً کم‌دی باشد و اگر به قول جیرانی پیرسیم «این مردم واقعه به چه می‌خندند؟» حتی این قضیه را به لحاظ روانشناختی و جامعه‌شناختی هم تئوریزه نکنند و بگویند «وقتی مردم بسیار درگیر مشکلات باشند، دنبال یکی دو ساعت فرار از دغدغه‌هایشان می‌گردند و برای همین کم‌دی می‌بینند.» اما وقتی باند و گروه و فرقه و جناح مقابل سر کار بود، همین خنده‌ها در شرایطی که مردم بسیار درگیر مشکلات و دغدغه‌هایشان هستند، هم‌دل و عجیب باشد. چطور می‌شود کسی در یک دولت طرفدار منطق سرمایه باشد و در دولت دیگر دغدغه‌مند فیلم‌های چپ‌گرا و فرهنگی واجتماعی شود؟

جیرانی در آخرین ماه‌های سرکار بودن دولت قبل، وقتی بابت اعطای برترانه ساخت فیلم بلند سینمایی به یک اینفلوئنسر مجازی به نام

محمد امین کریم‌پور مورد سیل انتقادات قرار گرفت، در شبکه‌های خبری سینما این‌طور به منتقدانش پاسخ داد که «نمی‌شود در اقتصاد نگاه‌مان سرمایه‌داری باشد و در فرهنگ بخوایم نگاه چپ داشته باشیم. مناسبات سرمایه‌داری با خودش، تهیه‌کننده، کارگردان و سرمایه‌گذار می‌آورد. نمی‌شود انتظار دیگری از آن داشت. یا باید به سال‌های دهه ۶۰ باگردیم که اقتصاد در اختیار دولت بود و همه چیز کنترل می‌شد. در آن فضا می‌شد من نوعی بگویم تو فیلم بساز و دیگری فیلم نسازد. اما وقتی وارد مناسبات سرمایه‌داری شدیم، دیگر این مناسبات بازار آزاد است که همه چیز را هدایت می‌کند. مناسبات بازار آزاد با خودش نمی‌گوید که فریدون جیرانی پشت خط مانده است به‌او کار بدیم، بلکه به دنبال کسی می‌گردد که یا سرمایه داشته باشد، یا بتواند اثری بسازد که در بازار فروش تضمین شده داشته باشد.» خیلی از نقدهای وضعیت ساختاری سینمای ایران مربوط به امروز و دیروز نیستند اما برای جیرانی و امثال او قضاوت درباره هر پدیده‌ای با توجه به اینکه در یوز رخ داده یا امروز، فرق می‌کند. امروز هم هیچ‌کس نه به لحاظ قانونی برای فیلمسازی جیرانی و امثال او مانع‌تراشی کرده و نه او و دوستانش جایی اعلام کرده‌اند که نظرات‌شان راجع به سرمایه‌داری و بازار آزاد سینما تغییر کرده است. اصل مساله اینجاست که وقتی عده‌ای حس می‌کنند دوره‌شان گذشته و گفتمان‌شان دیگر نفوذ فرهنگی سابق را ندارد، یعنی حسود و موزیانه نسبت به تمام کسانی پیدا می‌کنند که دارند وارد صحنه می‌شوند و ورودشان ممکن است باعث شود که جای خالی قدیمی‌ترها چندان به چشم نیاید. امروز هم مثل دوره‌ای که دوستان آقای جیرانی سر کار بودند، انتقادها نسبت به مهندسی اکران در سینمای ایران که منجر به بی‌قیب شدن کم‌دی‌های فارسی در گیشه‌ها می‌شود همچنان به قوت خود باقی است و در عین حال لااقل در حدی که در دوره‌های قبل به چشم می‌آمد، فیلم‌های فرهنگی واجتماعی را امروز هم می‌شود دید. مساله جیرانی و دوستانش فقط این است که می‌زنسن صحنه امروز، از حضور آنها خالی شده و آنها در حقیقت مثل ورزشکارانی که دل‌شان نمی‌خواهد تازه واردان جوان‌تر رکورد‌هایشان را بشکنند، به این صحنه نگاه می‌کنند.



آمار رسمی اکران نوروزی اعلام شد

فروش اکران نوروزی سینمای ایران در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۸۶ میلیارد و ۷۱ میلیون تومان با یک میلیون و ۳۳۵ هزار و ۵۸۸ نفر مخاطب رسید. به گزارش روابط عمومی موسسه سینماشهر، سه شنبه، هفتم فروردین با فروش بیش از ۹ میلیارد و ۵۲۶ میلیون تومان و ۱۴۵ هزار و ۱۶۴ نفر بیشترین فروش و بیشترین مخاطب را در ایام نوروز داشته است. بر اساس این گزارش، اکران فیلم سینمایی «تصاح خونی» از ۱۶ اسفند ۱۴۰۲ آغاز شد و تا ۱۳ فروردین به فروش ۶۵ میلیارد و ۹۰۶ میلیون تومان رسید. همچنین اکران فیلم‌های سینمایی «بی‌بدن»، «آپاراتچی»، «نوروز» و «آسمان غرب» از ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ آغاز شد که از این تاریخ تا ۱۳ فروردین بی‌بدن به فروش بیش از ۱۰ میلیارد و ۲۸۵ میلیون تومان،

فروش اکران نوروزی سینمای ایران در سال ۱۴۰۳ به بیش از ۸۶ میلیارد و ۷۱ میلیون تومان با یک میلیون و ۳۳۵ هزار و ۵۸۸ نفر مخاطب رسید. به گزارش روابط عمومی موسسه سینماشهر، سه شنبه، هفتم فروردین با فروش بیش از ۹ میلیارد و ۵۲۶ میلیون تومان و ۱۴۵ هزار و ۱۶۴ نفر بیشترین فروش و بیشترین مخاطب را در ایام نوروز داشته است. بر اساس این گزارش، اکران فیلم سینمایی «تصاح خونی» از ۱۶ اسفند ۱۴۰۲ آغاز شد و تا ۱۳ فروردین به فروش ۶۵ میلیارد و ۹۰۶ میلیون تومان رسید. همچنین اکران فیلم‌های سینمایی «بی‌بدن»، «آپاراتچی»، «نوروز» و «آسمان غرب» از ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ آغاز شد که از این تاریخ تا ۱۳ فروردین بی‌بدن به فروش بیش از ۱۰ میلیارد و ۲۸۵ میلیون تومان،



فروش نوروزی فیلم‌های در حال اکران (۱۰ فروردین الی ۱۳ فروردین ماه ۱۴۰۳)

ردیف	نام فیلم	سینما	تعداد نمایش	فروش کل نهایی	کل سینما	تعداد روز فروش	درصد از فروش کل	درصد از سینما	درصد از نمایش
۱	تصاح خونی	۲۳۴	۹,۸۳۵	۴۴۳,۴۷۰,۰۶۵,۰۰۰	۶۳۷,۲۰۲	۷۱/۸۳%	۷۱/۸۳%	۷۱/۸۳%	۷۱/۸۳%
۲	بی‌بدن	۱۷۷	۴,۶۳۰	۹۱,۲۳۷,۹۴۰,۰۰۰	۱۲۸,۰۸۵	۱۴/۷۸%	۱۴/۷۸%	۱۴/۷۸%	۱۴/۷۸%
۳	آپاراتچی	۱۳۳	۲,۲۳۵	۲۲,۸۸۸,۵۵۵,۰۰۰	۳۴,۱۶۳	۳/۷۱%	۳/۷۱%	۳/۷۱%	۳/۷۱%
۴	پرویز خان	۱۳۲	۱,۱۲۵	۱۷,۰۵۶,۴۹۵,۰۰۰	۲۲,۵۸۲	۲/۷۶%	۲/۷۶%	۲/۷۶%	۲/۷۶%
۵	نوروز	۱۳۰	۱,۸۶۸	۱۵,۵۷۹,۴۹۵,۰۰۰	۲۳,۸۹۳	۲/۵۳%	۲/۵۳%	۲/۵۳%	۲/۵۳%
۶	البنا جستجوی قهرمان	۱۵۳	۲,۱۱۶	۱۲,۹۹۰,۲۲۰,۰۰۰	۲۲,۰۳۵	۲/۸%	۲/۸%	۲/۸%	۲/۸%
۷	آسمان غرب	۱۱۱	۱,۲۴۸	۹,۴۴۶,۵۰۰,۰۰۰	۱۶,۸۰۶	۱/۵۳%	۱/۵۳%	۱/۵۳%	۱/۵۳%
۸	راهبه دو	۲	۹۸	۱,۱۱۳,۲۰۰,۰۰۰	۱,۲۵۷	۰/۱۴%	۰/۱۴%	۰/۱۴%	۰/۱۴%
۹	روشن	۲۶	۲۰۷	۱,۱۰۷,۶۵۰,۰۰۰	۱,۴۹۷	۰/۱۷%	۰/۱۷%	۰/۱۷%	۰/۱۷%
۱۰	اوتنپایمر	۳	۶۵	۱,۰۶۶,۰۰۰,۰۰۰	۶۶۹	۰/۷%	۰/۷%	۰/۷%	۰/۷%
۱۱	عروسک	۲	۱۷	۴۰۸,۹۰۰,۰۰۰	۷۵۶	۰/۰۸%	۰/۰۸%	۰/۰۸%	۰/۰۸%
۱۲	مسافری از کانورا	۵	۵	۴۰۰,۸۰۰,۰۰۰	۲,۰۰۲	۰/۰۴%	۰/۰۴%	۰/۰۴%	۰/۰۴%
۱۳	اتاق فرار	۱۴	۳۴	۲۳۰,۷۵۰,۰۰۰	۳۸۱	۰/۰۴%	۰/۰۴%	۰/۰۴%	۰/۰۴%
۱۴	نویسنده مرده است	۱۵	۴۱	۲۲۹,۵۵۰,۰۰۰	۳۸۳	۰/۰۴%	۰/۰۴%	۰/۰۴%	۰/۰۴%
۱۵	ایسانسن	۵	۸	۱۶۶,۳۰۰,۰۰۰	۴۵۰	۰/۰۵%	۰/۰۵%	۰/۰۵%	۰/۰۵%
	جمع کل	۲۳,۵۳۲	۲۳,۵۳۲	۶۱۷,۳۹۲,۴۷۰,۰۰۰	۸۹۲,۱۶۱	۱۰۰%	۱۰۰%	۱۰۰%	۱۰۰%

اسم فیلم	اسم کارگردان	سال تولید
سرب	مسعود کیمیایی	۱۳۶۷
آتش پنهان	حبیب کاوش	۱۳۶۹
بازمانده	سیف‌الله داد	۱۳۷۳
لبنان عشق من	حسین کاریبخش	۱۳۷۴
قاعده بازی	سید عبدالرضا نواب صفوی	۱۳۶۷
هفت سنگ	سید عبد الرضا نواب صفوی	۱۳۶۷
قناری	جواد اردکانی	۱۳۸۲
هیام	محمد درمنش	۱۳۸۲
زخم زیتون	محمد رضا آهنج	۱۳۸۳
تولد دیگر	عباس رافعی	۱۳۸۶
بیگانگان	عباس رافعی - مهدی سجاده‌چی	۱۳۸۸
شکارچی شنبه	پرویز شیخ طادی	۱۳۹۱
سی‌وسه روز	جمال شورجه	۱۳۹۳
ریسمانی نزدیک‌تر از رگ	مسعود اطیابی	۱۳۹۰

در بین آثار سینمایی ایران کم نیستند فیلم‌هایی که شخصیت‌های داستان آنها مستقیم یا غیرمستقیم با مساله اشغال فلسطین توسط رژیم صهیونیستی درگیر می‌شوند که از میان آنها می‌توان به این آثار اشاره کرد. از بین این فیلم‌ها، به جز سینمایی «سرب» که بیشتر تحت سیطره نام فیلمسازش قرار دارد، هیچ‌کدام به اندازه «بازمانده» به‌خاطر ارتباط فیلم با فلسطین معروف و ماندگار نشدند.

استقبال سینماهای چین از هیولاها



کار۴ در مجموع ۳۴.۵ میلیون دلار فروش کرده است. گودزیلا و کونگ: امپراتوری جدید، بهترین افتتاحیه را در بین فیلم‌های افتتاحیه گودزیلا و کونگ: امپراتوری جدید، چهارمین فروش بزرگ یک فیلم هالیوودی در دوران پس از همه‌گیری است. «آواتار: راه آب» و «سریر ایکس» به ترتیب ۵۲ میلیون دلار در دسامبر ۲۰۲۲ و ۵۱ میلیون دلار در ژوئن ۲۰۲۳ کسب کردند. در نمایش آی مکس هم گودزیلا و کونگ: امپراتوری جدید ۷.۵ میلیون دلار فروش کرده که تقریباً ۱۷ درصد از فروش آخر هفته چینی در پرده‌های آی مکس است. «پاندای کونگ فوکار۴» در دومین هفته اکرانش به مقام دوم سقوط کرد و با فروش ۵.۸ میلیون دلار که ۶۰ درصد پایین‌تر از افتتاحیه‌اش بود، کارش را ادامه داد. پس از ۱۰ روز حضور در سینماهای چین، پاندای کونگ فو